

گزارشی از کتاب‌هایی که جغرافیا در آنها پررنگ است

صدای کتاب‌ها را از کرمان می‌شنوید

کرمان دیار کریمان، این عبارت بی‌درنگ با شنیدن نام کرمان در ذهن تداعی می‌شود، اما این تنها وجهی نیست که با برده شدن نام این استان به ذهن متبادر می‌شود. بلکه نام «بم» نیز به تنهایی می‌تواند یادآور خاطرات تلخ و شیرین بسیاری باشد.

حتی نام سردار قاسم سلیمانی نیز در ردیف نام‌هایی است که بی‌درنگ با برده شدن نام کرمان ذهن‌ها را به خود می‌خواند. ۱۵ سال پیش ۱۲ ثانیه‌ای که کش آمد، شهر تاریخی بم را زیر و رو کرد. عزیزان هموطن ما داغدار نزدیکان خود شدند و گرد غم بر چهره ایران عزیز نشست. زلزله‌ای که پس از گذشت ۱۵ سال جراحات آن بهبود پیدا نکرده و یاد آن قلب‌ها را ناراحت می‌کند. به این بهانه سراغ کتاب‌هایی رفتیم که در آن کرمان و بم پررنگ است و خواننده خود را در جغرافیای این استان مشاهده می‌کند.



۱۵ سال پیش
۱۲ ثانیه‌ای که کش
آمد، شهر تاریخی بم
را زیر و رو کرد. عزیزان
هموطن ما داغدار
نزدیکان خود شدند و
گرد غم بر چهره ایران
عزیز نشست. زلزله‌ای
که پس از گذشت
۱۵ سال جراحات آن
بهبود پیدا نکرده و یاد
آن قلب‌ها را ناراحت
می‌کند. به این بهانه
سراغ کتاب‌هایی رفتیم
که در آن کرمان و بم
پررنگ است و خواننده
خود را در جغرافیای
این استان
مشاهده می‌کند

بچه‌های قالی باف خانه

همیشه تلخی بد نیست. گاهی این تلخی می‌تواند نگاه انسان را به دنیای پیرامون خود باز کند. بچه‌های قالی باف خانه هوشنگ مرادی کرمانی از آن آثاری است که تلخی آن قرار است در انتها به شیرینی دانایی ختم شود. این کتاب در تصویری، روستاهای فقیرنشین کرمان را نشان می‌دهد.

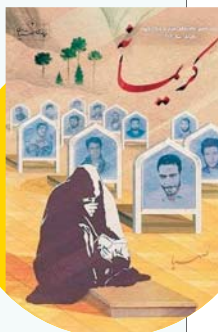
در این کتاب که دو داستان دارد خواننده با تصویر کودکانی روبه‌رو می‌شود که به جای کودکی کردن مجبورند از سنین کودکی در کارگاه‌های قالیبافی مشغول باشند و کار کنند. مرادی کرمانی در این کتاب بخشی از تصویری را که خود شاهد آن بوده با زبان داستان برای خواننده بازگو کرده و با ابزار داستان آن را جاودانه کرده است. این بار روستاهای دورافتاده و محروم محور است و کودکانی را که به جای بازی و شادی باید در کارگاه‌ها کار کنند در کتاب می‌بینیم.

با این کتاب که تلخ است هم به روستاهای سال‌های خیلی دور کرمان سفر می‌کنیم و هم شیرینی آزادی بیشتر کودکان را بیشتر می‌چشیم. این کتاب را نشر معین منتشر کرده است.

کریمانه

احتمالاً کتاب «آن بیست و سه نفر» را خوانده‌اید. اگر نخوانده‌اید خلاصه بگوییم که این کتاب خاطرات اسارت ۲۳ نوجوان در سال‌های جنگ است که از کرمان به جبهه‌ها اعزام شده بودند. این کتاب که با اقبال زیادی روبه‌رو شده شور و نشاط خاصی دارد و خواننده خود را با انرژی نوجوانان همراه می‌بیند. اما قرار نیست الان این کتاب را به شما پیشنهاد کنیم که خودش ظرفیت پیشنهاد شدن ویژه دارد، بلکه می‌خواهیم از کتاب «کریمانه» که نشر موسسه جهادی (صهبا) آن را منتشر کرده، سخن بگوییم.

این کتاب روایتی از قبل و بعد دیدار رهبر انقلاب با خانواده شهدای کرمان است. خانواده‌هایی که رهبر انقلاب در سال ۸۴ به منزل آنها رفتند. تیم تدوین کتاب سراغ پنج خانواده شهید رفته و از زبان آنها خاطره آن دیدار را روایت کرده است. کتابی که با روایتی داستانی آغاز می‌شود و با همان لحن ادامه پیدا می‌کند، به منزل خانواده شهدا می‌رود و شرح دیدار رهبر انقلاب در سال ۸۴ را از زبان آنها بازگو می‌کند. شاید باید گفت این کتاب روایت پشت‌پرده دیدارهای رهبر انقلاب با خانواده شهدای کرمانی است.



مومن انقلابی، ابوالقاسم صدیقی

«در دورانی که ما در ایرانشهر بودیم، آقای «صدیقی» رفیق قدیمی و عزیز و صمیمی ما - که ۹ نفر از خانواده‌شان در این حادثه [زلزله بم] از بین رفتند و ایشان خیلی داغدار شدند - از عناصر خوب بم بودند و با کمپرسی، نان و میوه و گوشت بین مردم [ایرانشهر] توزیع می‌کردند.» شاید این نقل قول از زبان رهبر انقلاب برای یک راننده کمپرسی حاکی از عمق رفاقت میان رهبر انقلاب و او باشد.

این تنها یک وجه از این کتاب است و وجه دیگر، تصویری است که از شهر بم به خواننده نشان داده می‌شود؛ بم پس از زلزله و اشاراتی که رهبر انقلاب به آقای صدیقی می‌کند و از درگذشتگان خانواده او یاد می‌کند.

در این کتاب که موسسه جهادی (صهبا) آن را منتشر کرده، تصویری از زلزله بم و کمک‌های آقای صدیقی را شاهد هستیم و او که اعضای خانواده‌اش را از دست داده باز هم مانند دوران پیش از انقلاب، به مردم کمک کرده و آنها را یاری می‌کند. یک تصویر ناب هم در این کتاب هست که توصیه می‌کنم آن را نیز ببینید.



تاریک ماه

بیابان، رمل، آفتاب داغ، تشنگی و سراب شاید از ویژگی‌هایی باشد که درباره مناطق مرکزی ایران به خصوص بخش‌های کویری بتوان برشمرد. رمان «تاریک‌ماه» اثر منصور علیمردی که نشر روزنه آن را منتشر کرده، خواننده را در موقعیت کویری استان کرمان قرار داده و سفری در سکوت کویر را برای او رقم زده است. رمانی که با زبان مستحکمی بنا شده و خواننده در موقعیت تصمیم‌های سخت شخصیت اصلی خود را شریک می‌بیند.

شخصیت‌پردازی و از آن مهم‌تر فضا سازی در این رمان حرف اصل را می‌زند و نویسنده با استفاده از المان‌های محدود جغرافیای کویری داستان خود را برای خواننده تعریف کرده است. خلوت و تنهایی و دعوت به تماشای درست اجزای عالم دیگر ویژگی این کتاب است که خواننده را همراه می‌کند و او را در موقعیتی قرار می‌دهد که جز خویش چیزی در میان نبیند و این مسیر تفکر و درست دیدن را برای خواننده فراهم می‌کند.

